

[واجبات نماز 2](#_Toc55754160)

[نیّت 2](#_Toc55754161)

[مسأله هشتم 2](#_Toc55754162)

[انحای ریای در عمل 2](#_Toc55754163)

[نوع سوم (ریای در أجزای واجب) 2](#_Toc55754164)

[وجه بطلان 2](#_Toc55754165)

[وجه أول (صدق زیاده با قصد جزئیت) 2](#_Toc55754166)

[وجه دوم (فرض تحقّق فصل طویل) 2](#_Toc55754167)

[مناقشه در وجه أول 3](#_Toc55754168)

[مناقشه در وجه دوم 5](#_Toc55754169)

[نکته (اختلاف نتائج بر اساس آرای مختلف) 6](#_Toc55754170)

[بررسی بطلان عمل توصّلی ریایی 7](#_Toc55754171)

**موضوع**: نیت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در رابطه با أنحای ریا در عمل بود؛ در جلسه قبل، ادامه نوع سوم یعنی ریای در أجزای واجب مورد بررسی قرار گرفت و دو وجه بطلان نماز با جزء ریایی مورد بررسی قرار گرفت.

# واجبات نماز

# نیّت

# مسأله هشتم

## انحای ریای در عمل

### نوع سوم (ریای در أجزای واجب)

بحث در رابطه با أنحای ریا بود؛ به نوع سوم یعنی ریای در جزء واجب رسیدیم و بیان شد که اگر در جزء واجب ریا کند و سپس آن را تدارک کند –مثل این که در خواندن سوره که جزء واجب است با خواندن سوره جمعه ریا می کند و سپس سوره دیگری بعد از آن می خواند- صاحب عروه نماز را باطل دانست و مرحوم بروجردی فرمودند اگر سوره را تدارک هم کند نماز باطل است زیرا نماز مصداق «من عمل لی و لغیری» می شود و ما همچون محقق همدانی و مرحوم خویی و مرحوم داماد اشکال کردیم که نماز، عمل واحدی نیست و هر جزء آن به دقّت عرفی یک عمل مستقل است و عمل این شخص قبل از خواندن سوره جمعه، ریایی نبود و تنها این سوره جمعه و نماز در حال سوره جمعه را به صورت ریایی انجام داد، ولی اگر آن را تدارک کند مشکلی پیش نمی آید.

### وجه بطلان

**مرحوم خویی فرموده اند:** برای رفع مشکل نماز دو شرط لازم است؛

### وجه أول (صدق زیاده با قصد جزئیت)

**شرط أول این است که؛** قصد جزئیت نکند و اگر قصد جزئیت در خواندن سوره جمعه ریایی داشته باشد به این خاطر که جزء نماز نیست و به قصد جزئیت آورده است زیاده محسوب می شود و مصداق «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» خواهد بود.

### وجه دوم (فرض تحقّق فصل طویل)

**شرط دوم این است که**؛ فصل طویل لازم نیاید و لذا اگر سوره جمعه را به مقداری طول بدهد که اگر در این مدت سکوت می کرد می گفتند «این چه نمازی است که می خوانی؟!» مثل این که نیم ساعت طول بکشد و یا به تعبیر مرحوم خویی سوره بقره بخواند، که هر چند قصد جزئیت ندارد و بعداً سوره را می خواند، ولی به خاطر این فصل طویل انداخت صورت نماز محو شده و باطل است.

#### مناقشه در وجه أول

**به نظر ما این دو شرط مرحوم خویی اشکال دارد؛**

**اشکال شرط أول این است که**؛ اگر این شخص به قول محقق همدانی، بعد از خواندن سوره جمعه ریایی سوره دیگری نمی خواند و نماز را تمام می کرد آیا عرف آن را مصداق «زاد فی صلاته» می دانست یا مصداق «نقص من صلاته الاتیان بسورة قربة الی الله» می دانست؟ بدون اشکال عرفاً مصداق «نقص من صلاته قرائة السوره بقصد القربه» است و عرف، سوره جمعه را فاقد شرط قربت می داند و می گوید این سوره فاقد شرط است نه این که زیاده است. (و طبق نظر آقای زنجانی که سوره را در نماز واجب نمی داند کشف می شود که نقصان نماز هم محقّق نشده است، ولی طبق نظر مشهور صرفاً «نقص در نماز» صادق است)

**محقق همدانی اصرار داشت که؛** هنگام خواندن سوره جمعه ریایی، «زاد فی صلاته» صدق نمی کند و ادّعا کردند که اگر سوره دیگری به قصد قربت بخواند عرف می گوید: «سوره جمعه را که قبلاً خوانده شده را زیاده قرار دادی» ولی دلیل منع از زیاده در نماز، شامل «جعل السابق زیادة» نمی شود و تنها دالّ بر منع از «احداث زیاده در نماز» است؛

**به نظر ما ادّعای صدق زیاده بعد از تدارک نیز صحیح نیست**؛ زیرا «زاد فی صلاته» نسبت به أجزای نماز صادق است، نه این که در مورد هر آنچه امتثال واجب است صادق باشد؛ قرائت قرآن در نماز جزء مسمّای نماز است و وقتی سوره جمعه ریایی خوانده می شود و بعد سوره توحید به قصد قربت انجام می شود عرفاً شیء زائدی اتیان نشده است. بله اگر رکوع یا سجود دو مرتبه انجام شود زیاده صدق می کند، ولی اگر دو سوره در نماز بخواند زیاده صدق نمی کند؛ زیاده از مسمّای نماز که صادق نیست زیرا هر چه خواندیم جزء مسمّای نماز محسوب می شود و نماز مانند مرکّب هایی همچون کلام است و اگر «ضرب زید» یا «ضرب زید عمرواً» یا «ضرب زید عمرواً یوم الجمعه» گفته شود همه کلام محسوب می شود و اگر «یوم الجمعه» گفته نشود همچنان کلام محسوب می شود و ماهیت کلام توقّفی بر گفتن «یوم الجمعه» ندارد ولی اگر گفته شود جزء فرد کلام محسوب می شود. همچنین مانند خانه که ماهیّت خانه بر دو اتاق خواب داشتن، توقّف ندارد ولی اگر دو اتاق خواب ساخته شود آن هم جزء خانه است، در حال که اگر کنار خانه مغازه ساخته شود جزء خانه محسوب نمی شود. قرائت قرآن جزء مسمّای نماز محسوب می شود و اگر دو سوره خوانده شود زیاده نبوده و داخل در مسمّای نماز است؛ البته از حدّ واجب نماز خارج است و همه أجزایی که مستحب اند مانند قنوت، از أجزای واجب نماز خارج اند ولی عرفاً «زاد فی صلاته» صدق نمی کند.

پس خواندن دو سوره در نماز مصداق زیاده در نماز نیست. و نهی از سوره جمعه در نماز به داعی ریا موجب صدق زیادی در نماز نمی شود و صرفاً یک فعل محرّم اتیان شده است و اشکالی ندارد فرد محرّم جزء مسمّای نماز شود؛ عرض کردیم کسی که وسوسه دارد و آیه را تکرار می کند قطعاً نهی دارد (تحریمی یا کراهتی) ولی تکراری که انجام می دهد عرفاً جزء مسمّای نماز است (البته جزء واجب نیست) و شخص ریاکار که سوره جمعه را ریایی و سوره توحید را به قصد قربت می خواند عرفاً «زاد فی صلاته» صدق نمی کند. حال اگر ریا نمی کرد و دو سوره می خواند نهایتاً قران بین دو سوره محقّق می شد که آن هم مشکلی ندارد. حال اگر فرض شود که سوره أول را ریایی بخواند و با انتفای موضوع ریا، همان سوره را به داعی الاهی تکرار کند دیگر «قران بین سورتین» هم محقق نمی شود و زیادی در نماز هم صادق نیست.

**خلاصه این که:** به نظر ما فرمایش مرحوم خویی که با صرف خواندن سوره جمعه ولو تدارک نشود، «زاد فی صلاته» صدق می کند، عرفی نیست و همچنین فرمایش محقق همدانی عرفی نیست که فرمودند اگر سوره تدارک شود «جعل السابق زیادة» صدق می کند و أدله منع از زیاده شامل آن نمی شود؛ این هم صحیح نیست زیرا در فرض تدارک عرفاً گفته نمی شود این نماز مشتمل بر زیاده است.

مفهوم «زاد فی صلاته» یک مفهوم عرفی است و لذا هر چه در نماز قرآن یا دعا خوانده شود جزء نماز است، ولی از حدّ واجب خارج است. اگر بنا باشد انجام هر چه از حدّ واجب خارج است را مصداق زیاده قرار دهیم عرفاً همه نماز ها مشتمل بر زیاده است زیرا مردم که أجزای مستحب را در نماز انجام می دهند قصد می کنند که این أجزای مستحب، جزء نماز است و واقعاً هم جزء نماز است ولی جزء واجب نیست.

مرحوم خویی فرموده اند که مستحب نمی تواند جزء واجب باشد، ما نیز قنوت را جزء واجب نمی دانیم و واجب نسبت به قنوت لابشرط است ولی بالأخره جزء مسمّای نماز است و نماز مانند کلام است که اگر مولا أمر به تکلّم کند قطعاً «یوم الجمعه» جزء واجب نیست و اگر آن را هم نمی گفتیم أمر مولا را امتثال کرده بودیم ولی جزء مسمّای کلام است. قرائت قرآن از روی وسواس قطعاً نهی دارد و جزء واجب نماز نیست ولی جزء مسمّای نماز است و سوره جمعه به داعی ریا جزء واجب نیست زیرا واجب اگر جزئی پیدا کند آن جزء نیز واجب خواهد بود و جزء واجب نمی تواند واجب نباشد، ولی جزء مسمّای نماز است. و در محل بحث چون سوره را به داعی ریا انجام داده، امتثال أمر وجوبی محقّق نشده و سوره جزء واجب نماز قرار نمی گیرد؛ حال قبل از تدارک سوره که «زاد فی صلاته» بالوجدان صدق نمی کند و بعد از تدارک سوره با قصد قربت، عرف می گوید که این شخص چیزی در نماز اضافه نکرد.

مگر اگر کسی دو سوره در نماز بخواند، نماز نیست؟! مثل این که از روی وسوسه دوبار سوره را بخواند. اگر کسی وسط نماز خواست از عبدالباسط تقلید کند و سوره ای را با سبک او خواند اشکالی ندارد. و خیلی ها گفته اند که قصد قربت در قرائت قرآن در نماز ما زاد بر مقدار واجب لازم نیست و لذا اگر درب خانه را بزنند و شخص در نماز باشد، می تواند به قصد ذکر «الله اکبر» را ولو بدون قصد قربت بلند بگوید؛ در این مثال همین که قصد ذکر می کند، «الله اکبر» جزء مسمّای نماز می شود. و «من زاد فی صلاته» عرفاً در فرضی صدق می کند که رکوع، سجود یا یک رکعت به نماز اضافه شود.

حرف ما این است که، اتیان به أجزایی مثل قرائت قرآن، ذکر و دعا که شأنیّت دارند مستحبّ باشند ولو بالفعل مستحب نیست به این خاطر که به قصد ریا یا با وسواس بوده است و نهی دارند، اتیان به این أجزاء در نماز موجب صدق «من زاد فی صلاته» نمی شود و حداقل در صدق آن شک می کنیم که دیگر نمی توانیم به دلیل «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» تمسّک کنیم. توجّه شود که اتیان به دو سجده در یک رکعت واجب است و سجده زائده فی حدّ نفسه مستحب نیست و اتیان به رکوع برای بار دوم نیز فی حدّ نفسه مستحب نیست و با اتیان به ذکر خدا و قرائت قرآن و دعا خواندن تفاوت دارد که طبق اطلاقات جزء نماز است و تنها اگر با ریا و وسوسه باشد أمر ندارد، ولی به هر حال اگر کسی آن را انجام دهد و قصد جزئیت برای مسمّی کند که واقعاً هم جزء مسمّی است عرفاً «زاد فی صلاته» صدق نمی کند یا صدق آن مشکوک است.

#### مناقشه در وجه دوم

مطلب دوم این که مرحوم خویی فرمودند سوره جمعه اگر موجب فصل طویل شود موجب بطلان نماز می شود؛

اشکال این است که محو صورت نماز یک مطلب عرفی است و لذا اگر قنوت نماز که جزء نماز نیست (به این خاطر که ایشان جزء مستحب در نماز را قبول ندارند) طولانی شود موجب بطلان نمی شود و عرف، قنوت طولانی را ماحی صورت نماز نمی داند و اگر سوره بقره یا سوره جمعه طولانی (با گریه و تکرار) بخواند عرفاً موجب محو شدن صورت نماز نمی شود.

نباید اتیان ریایی سوره جمعه را با سکوت قیاس کرد تا اگر سکوت نیم ساعتی، صورت نماز را محو کند سوره جمعه ریایی هم کالسکوت باشد؛ چنین تنزیل شرعی که نداریم و عرف هم قرائت سوره جمعه ریایی را ماحی صورت نماز نمی بیند. و اگر سوره بقره ریایی هم در نماز خوانده شود ماحی صورت نماز نیست.

و این که صورت صلاتی باید عمل خالص باشد دلیل ندارد. اگر کسی نماز را رها کند و مشغول خواندن سوره بقره شود صورت نماز او به هم می خورد ولی اگر در همان حال نماز سوره بقره بخواند صورت نماز از بین نمی رود و دلیلی نداریم که موالات در أجزای واجب نماز شرط باشد تا فاصله شدن سوره بقره این موالات را از بین ببرد و مخلّ باشد.

### نکته (اختلاف نتائج بر اساس آرای مختلف)

**قبل از بیان نحوه چهارم نکته ای بیان می کنیم**؛ نتائج أدله ای که در مقام ذکر شد با یکدیگر تفاوت دارد؛

کسی که سوره جمعه را ریایی می خواند و تدارک می کند؛ طبق نظر مرحوم بروجردی مصداق «من عمل لی و لغیری» خواهد بود و لذا ولو جاهل قاصر و ناسی باشد و أصلاً فکر نمی کرد این عمل او ریا و حرام است نماز او باطل خواهد بود.

ولی اگر همچون مرحوم خویی سوره جمعه ریایی که به قصد جزئیت اتیان شده است مصداق «من زاد فی صلاته» باشد در صورتی که مشمول حدیث لاتعاد باشد مثل جاهل قاصر و ناسی، نماز او باطل نخواهد بود و اگر قصد جزئیت نکند نیز نماز باطل نمی شود.

و اگر دلیل این بود که سوره جمعه به داعی ریا، مصداق شرک محرّم است و لذا نماز در این حال مصداق حرام بوده و اجتماع أمر و نهی ممتنع بوده و اطلاق أمر به نماز شامل نماز ریایی می شود؛

اجتماع أمر و نهی احکام خود را دارد و برخی مثل مرحوم داماد اجتماع أمر و نهی را حتّی در عبادات ممتنع نمی دانند و نظر مرحوم امام نیز در مواردی که اجماعی وجود ندارد، علی القاعده همین است و اگر با آب غصبی وضو گرفته شود و أصل وضو به خاطر خدا و اختیار این فرد مغصوب به خاطر شیطان باشد اطاعت در انجام وضو و عصیان در مورد نهی از غصب محقق می شود. طبق این مبنا مشکلی لازم نمی آید و سوره جمعه به داعی ریا، مصداق اجتماع أمر و نهی می شود یعنی مصداق نهی از ریا و أمر به قرائت سوره می شود و طبق نظر مرحوم داماد و مرحوم امام مقرّب هم می باشد؛ یعنی از این حیث که امتثال أمر است مقرّب بوده و از این حیث که عصیان نهی است مقرّب است.

امتثال أمر با قصد ریایی جمع می شود زیرا أصل سوره را به داعی الاهی انجام می دهد و انتخاب سوره جمعه به داعی ریایی است. نظر مرحوم داماد این است و به نظر ایشان دلیل «لم أقبله الا ما کان لی خالصاً» برای جایی است که أصل عمل خالص نباشد نه این که خصوصیت فرد خالص نباشد؛ مثلاً اگر نماز أول وقت یا نماز در مسجد به صورت ریایی انجام شود به نظر مرحوم داماد تنها مشکل اجتماع أمر و نهی دارد و به خاطر ریاکاری گناه کرده است ولی به خاطر جواز اجتماع أمر و نهی، نماز صحیح است و لذا «لم أقبله» را ایشان در اینجا تطبیق نمی کند و تنها در جایی تطبیق می کند که أصل عمل ریایی باشد در حالی که فرض این است که أصل نماز خالصاً لوجه الله است و تنها انتخاب سوره برای ریا است و در أصل سوره خواندن خلوص دارد مثل این که در أصل نماز خواندن خلوص دارد و تنها نسبت به أول وقت بودن یا در مسجد بودن ریا می کند. پس به خاطر این که أمر به صرف الوجود نماز با سوره را به خاطر خدا امتثال کرده است مستحق ثواب است و به خاطر این که فرد حرام را انتخاب کرده است او را عقاب می کنند.

لکن ما این مبنا را قبول نداریم و به نظر ما شخصی که عمداً این فرد را انتخاب می کند عملش مبغوض مولا است و در ارتکاز متشرعه صلاحیت عبادیّت ندارد ولذا اگر از روی علم و عمد نماز در مسجد را ریایی انجام دهد نمازش باطل است زیرا این نماز مصداق حرام و مبغوض مولا است و صلاحیّت عبادیّت ندارد.

مرحوم خویی در اجتماع أمر و نهی بین ناسی و جاهل تفاوت می گذارند؛ اگر ناسی با آب غصبی وضو بگیرد در صورتی که خودش غاصب نباشد نمازش صحیح است؛ زیرا نسیان سبب سقوط نهی واقعی می شود و اگر خودش غاصب باشد و فراموش کند وضوی با آب غصبی مبغوض مولا است. هر چند مرحوم خویی قائل به امتناع اجتماع أمر و نهی اند ولی ثبوت نهی در حال نسیان و نیز جهل مرکّب –که احتمال نمی دهد آب غصبی باشد- لغو است و أثر ندارد. ولی اگر احتمال غصبی بودن آب داده شود و طبق قاعده ید و أمثال آن حکم به غصبی نبودن شد و با آن وضو گرفته شد، وضو باطل خواهد بود.

لذا باید توجّه نمود که أدله ای که در مبطلیّت ریا ذکر می شود نتائج مختلفی دارد و دلیل مرحوم بروجردی جاهل و ناسی و غافل را شامل می شود و حدیث لاتعاد اخلال به قصد قربت را تصحیح نمی کند زیرا شرطیّت قصد قربت فریضه است و در قرآن آمده است و حدیث لاتعاد تنها سنن را تصحیح می کند. آیه «و لایشرک بعبادة ربّه أحداً» تفسیر شده است که در عبادت ریا نداشته باشد و لذا شرطیّت قصد قربت فریضه خواهد بود. و «الذین هم یراؤون» نیز مربوط به ریا است.

### بررسی بطلان عمل توصّلی ریایی

آخرین مطلب در این بحث قبل از ورود به بحث «ریای در جزء مستحب»، این است که مرحوم داماد فرموده اند واجب یا مستحب و هر چیز دیگر، اگر توصّلی باشد ریای در آن مبطل نیست؛ مثل ریای در أمر به معروف، ریای در أدای دین، ریای در أدای خمس و زکات –بنا بر این که قصد قربت در آن معتبر نیست- که هر چند حرام است ولی مبطل نیست. حال اگر أصل نماز عبادی باشد ولی یک وصف واجب یا مستحب یا مباحش عبادی نبود ظاهر کلام مرحوم داماد در جلد 3 کتاب الصلاة صفحه 299 این است که مشکلی ایجاد نمی کند به این خاطر که توصّلی است. لذا توجّه شود صرف این که أصل نماز تعبّدی است موجب نمی شود به سبب ریا باطل شود، بلکه باید وصفی که در آن ریا صورت گرفته نیز عبادی باشد و اگر ریای در توصّلی باشد مشکلی ایجاد نمی کند.

این مطلب ایشان عجیب است؛ مثالی بیان می کنیم که هر چند مربوط به ریایی در جزء واجب نیست ولی برای ردّ کلام مرحوم داماد مثال خوبی است؛ در تعبّدی و توصّلی بودن نماز جماعت اختلاف است؛ صاحب عروه و أکثر محشّین توصّلی می دانند و لذا اگر انگیزه امام جماعتی از خواندن نماز جماعت جاه و مقام باشد، صحیح خواهد بود. آقای سیستانی فرموده اند احتیاط واجب این است که هم امام جماعت و هم مأمومین قصد قربت کنند و مأمومی که برای راحت طلبی و یا گعده با رفقا در نماز جماعت شرکت می کند و امام جماعتی که برای جاه طلبی امام جماعت می شود، نه این که صرفاً ثواب نداشته باشد بلکه أصل صحّت نماز جماعت اشکال دارد و علی الاحوط باید برای خدا نماز جماعت شرکت کنند. ولی مشهور نماز جماعت را چه برای امام و چه مأموم توصّلی می دانند.

اشکال به مرحوم داماد این است که خلاف اطلاق أدله است که اگر کسی به قصد ریا در نماز جماعت شرکت کند، اشکالی نداشته باشد و «کل ریاء شرک» بر آن منطبق بوده و حرام است و «من عمل لی و لغیری» بر این نماز صادق است.